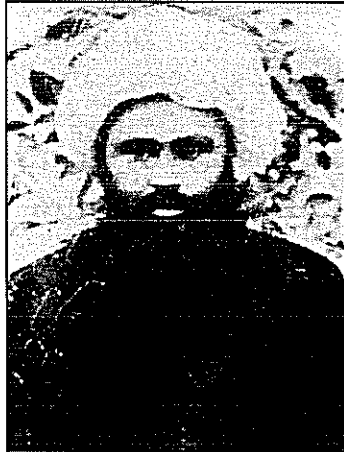


مقاله)، از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرده و نیز از خود وی نقل شده که پدرش پیش از تولد او نامش را ابوالفضل تعیین کرده بوده است، نمی‌توان آن را درست دانست (تهرانی، مقدمهٔ محدث ارموی، ص ۱۰۰).



میرزا ابوالفضل تهرانی

پدر میرزا ابوالفضل، میرزا ابوالقاسم تهرانی^۵، از جهت انتساب به دایی خود، محمودخان کلانتر، به کلاترری شهرت یافت و فرزندش، ابوالفضل، به این نام نیز خوانده شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۷ ش؛ امین، همانجاها).

میرزا ابوالفضل در کودکی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. او نخست علوم و فنون مقدماتی را نزد پدر خود آموخت، تا جایی که پیش از بلوغ، آنها را کاملاً فرا گرفته بود (تهرانی، مقدمهٔ محدث ارموی، ص ۱۰۰). آنگاه تحصیل فقه و اصول را در دورهٔ سطح آغاز کرد و پس از آن دورهٔ خارج را نزد سیدمحمد صادق طباطبایی و میرزا عبدالرحیم نهایندی گذراند و به درجهٔ اجتهاد رسید، فلسفه و عرفان را نیز از آقامحمدرضا قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه فرا گرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۵۴؛ تهرانی، مقدمهٔ محدث ارموی، ص ۱۰۰).

میرزا ابوالفضل در ۱۳۰۰ رهسپار نجف شد و چندین ماه در آنجا ماند و در درس میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت کرد، سپس به دعوت مرجع تقلید آن زمان، میرزا محمدحسن شیرازی (میرزای شیرازی)، به سامرا رفت و در آنجا اقامت گزید و چند سال از درس فقه و اصول وی بهره برد و از نزدیکان او به شمار آمد. همچنین در آنجا رجال و دیگر علوم حدیثی را از میرزا حسین نوری آموخت و از محمدحسین کاظمینی (کاظمی) اجازهٔ روایت گرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۷ ش؛ امین، تهرانی، همانجاها؛ حبیب‌آبادی، ج ۶، ص ۲۰۴۳). او در ۱۳۰۶ برای انجام مراسم حج به مکه رفت و در بازگشت مدتی در نجف اقامت کرد تا اینکه به دعوت گروهی از مردم به تهران بازگشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۸۸؛ امین، همانجا؛ تهرانی، مقدمهٔ محدث ارموی، ص ۱۰۰). منابع سال بازگشت وی را مختلف ذکر کرده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۷ ش؛ حبیب‌آبادی، همانجاها)، ولی فرزندش، میرزا محمد تقی،

مذکور تا حدی حاصل گفت و شنودهایی است که در این شهر می‌شد. برخوردهای بعدی بین فلسفهٔ اسلامی و اندیشهٔ غربی در آثار حکمایی همچون مهدی حائری یزدی (متوفی ۱۳۷۸ ش) نیز در تهران به وقوع پیوست. از سوی دیگر حضور سنت قوی فلسفی در تهران باعث شد که بسیاری از نظریات سطحی کسانی که در سایر کشورهای اسلامی بر طرفدارند، در ایران به وجود نیاید و مباحث فلسفی در ایران بیش از سایر سرزمینهای اسلامی جدی تلقی شود. به هر حال، حوزهٔ فلسفی و عرفانی تهران آخرین حلقهٔ اتصال نسل فعلی ایران به سنت بیش از هزار سالهٔ فلسفه و عرفان اسلامی است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ ناهید باقری خرم‌دشتی، کتابشناسی جامع ملاصدرا، تهران ۱۳۷۸ ش؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران ۱۳۵۷ ش؛ عبداللّه بن بیرمقلی زوزی، انوار جلیته، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ هب، لمعات الیه، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۵ ش؛ علی بن عبداللّه زوزی، مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آفاغلی مدرس طهرانی، چاپ محسن کدیور، ج ۳، رسالهٔ سرگذشت، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، با حواشی ملاهادی سبزواری، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، مشهد ۱۳۴۶ ش، چاپ افست تهران ۱۳۶۰ ش؛ منوچهر صدوقی‌سها، تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمتألهین، تهران ۱۳۵۹ ش؛ محمدعلی عبرت نائینی، تذکرهٔ مدینهٔ الادب، چاپ عکسی تهران ۱۳۷۶ ش؛ هانری کورین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمهٔ جواد طباطبائی، تهران ۱۳۷۷ ش؛ محمدجعفر لاهیجی، شرح رسالهٔ المشاعر ملاصدرا، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، [مشهد؟ ۱۳۴۳ ش]؛ مدرس تبریزی؛ مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران ۱۳۷۰ ش؛ محمد معصوم بن زین‌العابدین معصوم علیشاه، طرائق الحقائق، چاپ محمدجعفر محبوب، تهران ۱۳۳۹، ۱۳۴۵ ش.

/ سید حسین نصر /

تهران، کنفرانس - جنگ جهانی دوم

تهرانی، آقابزرگ - آقابزرگ طهرانی

تهرانی، ابوالفضل، عالم جامع و مؤلف شیعی قرن سیزدهم و چهاردهم. در ۱۲۷۳ در تهران به دنیا آمد. از آنجا که اصل وی از شهر نور بوده، ابوالفضل نوری نیز خوانده شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۸۸؛ همو، ۱۳۳۷ ش، ستون ۳۳). برخی منابع (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، قسم ۱، ص ۴۷؛ امین، ج ۲، ص ۴۷۵) نام او را احمد ذکر کرده و ابوالفضل را که بدان مشهور است، کنیه‌اش دانسته‌اند؛ اما با توجه به اینکه فرزندش، میرزا محمد تقی (در بارهٔ وی - ادامه)

بازگشت او را در ۱۳۱۰ گفته است (تهرانی، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰؛ نیز - همان، ص ۷۰).

میرزا ابوالفضل پس از بازگشت به تهران، مرجعیت و زعامت شرعی را به عهده گرفت، به تدریس فقه و اصول و رجال و کلام پرداخت و نماز جماعت و مجلس وعظ و خطابه برپا داشت. او در ۱۳۱۲ مدرسه سپهسالار از بناهای میرزا حسین خان سپهسالار را افتتاح کرد، طلاب را در آن جای داد و در آن حلقه درس دایر کرد (امین؛ حبیب‌آبادی، همانجا؛ تهرانی، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۴).

میرزا ابوالفضل در ادبیات و سرودن اشعار عربی و فارسی توانا بود و هزاران بیت شعر از حفظ داشت، تا جایی که سیدحیدر جلی، از شاعران نامدار عراق، هنگام رفتن به سامرا از هم‌اوردی با او ناتوان شد و در مدح او قصیده‌ای سرود. سید محمد سعید حنوی از دیگر شاعران بنام نیز وی را ستوده است. او همچنین نثری شیوا داشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۵۳-۵۴؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۳).

میرزا ابوالفضل منطق، فلسفه، عرفان، ریاضیات، هیئت، سیره و تاریخ نیز می‌دانست، خوش‌محضر و دارای بیانی جذاب و حافظه‌ای قوی بود (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۵۴؛ امین، همانجا؛ نیز - موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷). او در هشتم صفر ۱۳۱۶ بر اثر بیماری حصبه در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم در کنار پدرش در مقبره ابوالفتح رازی به خاک سپرده شد (مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۷۳؛ حبیب‌آبادی، ج ۶، ص ۲۰۴۴؛ شریف رازی، اختران فروزان، ص ۲۲۲-۲۲۳). برخی (قمی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ امین، همانجا) درگذشت او را ۱۳۱۷ و مدفن او را قبرستان وادی‌السلام نجف ذکر کرده‌اند که درست نیست (تهرانی، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰).

میرزا ابوالفضل آثار فراوانی داشته که بیشتر آنها به دست ما نرسیده است (- همان، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰). برخی از آثار او عبارت‌اند از: ۱) دیوان اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات عربی و فارسی در موضوعات مختلف از جمله مدح معصومین علیهم‌السلام. اشعار عربی این اثر به اهتمام سیدجلال‌الدین محدث ارموی و با مقدمه طولانی وی در ۱۳۶۹ (یا ۱۳۷۰) در تهران به چاپ رسیده است (حبیب‌آبادی، همانجا؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ نیز - تهرانی، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰؛ ۲) شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور که استاد وی، میرزای شیرازی، نیز بر آن تقریظ نوشته و از بهترین شرح‌ها و ترجمه‌های فارسی زیارت عاشورا به شمار آمده است. تألیف آن در ۱۳۰۹ به پایان رسید و اولین بار در ۱۳۱۰ در بمبئی چاپ شد. سپس در ۱۴۰۷، با تحقیق سیدعلی موحد ابطحی در دو جلد در قم و در ۱۳۷۶ ش با تصحیح و تعلیق سیدابراهیم

شیرازی زنجانی در یک جلد در تهران به چاپ رسید (امین، همانجا؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۶؛ ۳) الإصابة فی من أجمعت علیه العصابة، شرح منظوم ارجوزة هفده بیتی سیدمهدی بحر العلوم در علم رجال در باره اصحاب اجماع به عربی. این شرح که مشتمل بر ۳۶۸ بیت است در ۱۳۰۴ در سامرا به پایان رسید. نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (شریف رازی، اختران فروزان، ص ۲۲۳؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۴؛ ۴) تسمیة المحدث (یا تسمیة الحديث) منظومه‌ای به عربی در علم درایه؛ ۵) صَدَحُ الحَمَامَةِ فی احوال الوالد العلامة در شرح زندگانی پدرش و نیز قسمتهایی از زندگانی خود او به عربی؛ ۶) ثلاثه الدرر فی نظم اللؤلؤ المنتثر که در آن کتاب الشافیه ابن‌حاجب را در علم صرف به نظم درآورده و برخی مطالب آن را رد کرده و مطالبی نیز به آن افزوده است. تألیف این اثر که بالغ بر شش هزار بیت است، پیش از چهارده سالگی وی آغاز شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۵۴؛ تهرانی، مقدمه محدث ارموی، ص ۷۰؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ ۷) تنقیح المقالة فی تحقیق الدلالة، رساله‌ای به عربی در بحث دلالات منطق و اصول فقه است و با اینکه حجم زیادی دارد، به اتمام نرسیده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۶؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۵؛ ۸) حاشیة الاسفار که تعلیقات او بر الاسفار الاربعه ملاصدرا و به عربی است؛ ۹) الرسالة العشقیة در بیان مسئله‌ای عرفانی و به عربی است؛ ۱۰) مثنیة البصیر فی بیان کیفیة الغدیر به عربی؛ ۱۱) حاشیة فرائد الاصول؛ ۱۲) حاشیة المکاسب (تهرانی، همانجا؛ موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۷. برای آگاهی از سایر آثار وی - موسوعه، ج ۲، ص ۲۵۴-۲۵۷).

فرزند میرزا ابوالفضل، میرزا محمد تقی، از علما و فضیلاي معاصر بوده است. او در جمادی‌الآخره ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد و از کودکی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و پس از گذراندن دوره مقدماتی، سطوح عالی فقه و اصول را نزد آقامیرزا کوچک ساوجی و شیخ آقابزرگ ساوجی آموخت. در ۱۳۴۱ به قم رفت و حدود هفت سال در آنجا ماند و در درس خارج فقه و اصول شیخ عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد و از او تصدیق اجتهاد گرفت. چندی نیز در درس فقه آقامحمد رضا اصفهانی مسجدشاهی حاضر شد. او همچنین فلسفه و کلام را از سیدابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت (شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۴۱۲-۴۱۳).

تقی سپس به تهران بازگشت و در مسجد پامناز به تبلیغ و اقامه جماعت و تألیف و تدریس پرداخت. او نیز مانند پدرش طبع شعر و ذوق غزل‌سرایی داشت. روان‌جاوید در تفسیر قرآن که در پنج جلد به چاپ رسیده است و غرر العوائد، شرح و

۱۲۷۷ به تهران بازگشت و مرجع امور دینی و علمی شد، چنانکه همدروزه علما و فقها در مجلس درس او در مدرسه مروی حاضر می‌شدند، از جمله: فرزندش میرزا ابوالفضل تهرانی^۵؛ سیدحسین صدرالحفاظ قمی، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ عبدالنبی نوری، شیخ حسنعلی تهرانی و شیخ محمدصادق تهرانی بُلُور (شریف رازی، ص ۲۲۱). وی در اواخر عمر نایبنا شد (نامه دانشوران ناصری، ج ۲، ص ۳۶۵) و در ۱۲۹۲ در ۵۶ سالگی درگذشت. او را در مقبره شیخ ابوالفتح رازی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپردند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۶۰).

آثار تهرانی عبارت است از: *التقریرات* که معروفترین کتاب اوست. این کتاب برگرفته از درس اصول شیخ مرتضی انصاری و درباره مباحث الفاظ است و بخشی از آن با عنوان *مطارح الانتظار* چاپ شده است (مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۷۱؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، همانجا)؛ رساله‌های اصولی در موضوعات «حجیت قطع»، «حجیت ظن»، «براث»، «استصحاب» و «تعادل و تراجیح»؛ رساله‌های فقهی در موضوعات طهارت، صلاة، صلاة المسافرين، زکات، غصب، وقف، لُقْطه، رهن، احياء موات، اجاره و قضا و شهادت که هیچیک از آنها به چاپ نرسیده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، همانجا)؛ رساله‌ای در ارث (نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲۲۲۶)؛ و تقریرات درس اصول شیخ جعفر کرمانشاهی (نسخه خطی کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی، ش ۵۵۳۷).

منابع: محمدحسن آقابزرگ‌طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، جزء ۲: *الکرام البررة*، مشهد ۱۴۰۴؛ محمدشریف رازی، *اختران فروزان ری و طهران*، یا، *تذکرة المقابر فی احوال المفایر*، قم: مکتبة الزهراء، [بی‌تا]؛ مدرس تبریزی، نامه دانشوران ناصری، قم: دارالفکر، [۱۳۳۸ ش].

/ ناصرالدین انصاری قمی /

تهرانی، حاج ملاعلی، فقیه و محدث و رجالی امامی

قرن سیزدهم. تهرانی در ۱۲۲۶ در نجف به دنیا آمد. پدرش، حاج میرزا خلیل (متوفی ۱۲۸۰)، بزرگ خاندان خلیلی و از مشهورترین پزشکان روزگار خود بود (حرزالدین، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰). در علوم دینی نیز تحصیل کرده بود و نزد علمایی چون شیخ جعفر کاشف‌الغطا و سید محمد مجاهد، بسیار احترام داشت (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۲؛ آقابزرگ طهرانی، *طبقات: الکرام البررة*، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۰۸). حاج ملاعلی تهرانی علم اصول را نزد محمدحسین اصفهانی حائری (صاحب فصول) و شریف‌العلماء مازندرانی و میرزا جعفر

که در پنج جلد به چاپ رسیده است و *غرر العوائد*، شرح و حاشیه بر *دررالفوائد* شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی از جمله آثار اوست (شریف رازی، همانجا؛ همو، *اختران فروزان*، ص ۲۲۳-۲۲۴). ثقفی در مرداد ۱۳۶۴ درگذشت (به یاد عالم بارع آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی، ص ۳۴).

منابع: محمدحسن آقابزرگ‌طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، جزء ۱: *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد ۱۴۰۴؛ همو، *مضی المقال فی مصنفی علم الرجال*، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۲۷ ش؛ امین؛ به یاد عالم بارع آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی، *کیهان فرهنگی*، سال ۲، ش ۵ (مرداد ۱۳۶۲)؛ ابوالفضل بن ابوالقاسم تهرانی، دیوان، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، [تهران] ۱۳۶۹؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج ۶، اصفهان ۱۳۶۲ ش؛ محمد شریف‌رازی، *اختران فروزان ری و طهران*، یا، *تذکرة المقابر فی احوال المفایر*، قم: مکتبة الزهراء، [بی‌تا]؛ همو، *گنجینه دانشمندان*، ج ۴، تهران ۱۳۵۳ ش؛ عباس قمی، *کتاب الکنی و الانقلاب*، صیدا ۱۳۵۸؛ چاپ افت قسم [بی‌تا]؛ مدرس تبریزی؛ *موسوعة مؤلفی الامامیة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۷۸ ش.

/ ناصرالدین انصاری قمی /

تهرانی، ابوالقاسم، فقیه و اصولی شیعی در قرن

سیزدهم. نیای وی، میرزا هادی، تاجر بود که از شهر نور مازندران به تهران مهاجرت کرد. پدر تهرانی، میرزا محمدعلی نیز تاجر و شیفته دانش بود. تهرانی در ۱۲۳۶ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در همانجا گذراند (نامه دانشوران ناصری، ج ۲، ص ۳۶۴). در ۱۲۴۶ همراه عمویش به اصفهان رفت و سه سال به فراگیری مقدمات علوم پرداخت و سپس به تهران بازگشت. در ۱۲۵۱ به عتبات رفت و پس از حدود دو سال اقامت در آنجا، به تهران بازگشت و در مدرسه مروی ساکن شد و علوم عقلی و نقلی را نزد ملا عبداللّه زنوزی و شیخ جعفر کرمانشاهی فراگرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۶۹؛ نامه دانشوران ناصری، همانجا). بار دیگر برای تکمیل تحصیلات خود به کربلا رفت و چند سال نزد سیدابراهیم قزوینی، مؤلف *ضوابط الاصول*، درس خواند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۵۹؛ نامه دانشوران ناصری، همانجا)، اما به سبب بروز آشوب در کربلا به اصفهان رفت. پس از آرام شدن اوضاع عراق، به نجف رفت و در جلسات درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و مقرّر بحث او شد، تا جایی که شیخ بارها به درجات علم و فضل و اجتهاد وی تصریح نمود (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۵۹-۶۰). وی در